

درباره حماسه تشییع پیکر حاج قاسم

فرمول تکرار شرایط اجتماعی ۱۶ دی ۹۸



فرهنگستان صبح ۱۳ دی ۹۸ را کمتر کسی از یاد می برد، صبحی که ایران در سوگ ترور قاسم سلیمانی یکپارچه بود و شهادت او را ضربه به ملیت و هویت ملی ایران می دانست. با شهادت این شخصیت ملی، سه سال است که سالگرد او در صدر اخبار روزنامه هاست و رسانه ها از زوایای مختلف به تحلیل منش و شخصیت او می پردازند. ایمن منحصر به روزنامه های داخلی هم نمی شود، روزنامه های خارجی هنوز که هنوز است با گذشت چندین سال در گزارش های خود به قاسم سلیمانی اشاره می کنند. فارغ از اینکه گزارش های آنها غیرواقعی یا واقعی است، نفس اینکه به قاسم سلیمانی می پردازند نشان از این دارد که این شخصیت مهم است و هنوز جایگاه دارد. صبح روز ۱۳ دی امسال هم در راستای همین مساله یعنی سالگرد شهادت قاسم سلیمانی، برنامه «صبح ایرانی» نگاهی به صدر اخبار روزنامه های ایران داشت. امیرا شریفی مقدم مجری این برنامه بود. در این نگاه، به روزنامه هم میهن رسید و درباره تیرهای صفحه اول روزنامه هم میهن اینچنین گفت: «از سوی وزارت فاه برای خانواده چهارنفره اعلام شد خط فقر در تهران در مرز ۱۵ میلیون تومان. و البته هرچی دارم نگاه می کنم روزنامه هم میهن هیچ تیتري نذاره درباره سوژه امروز ما، ۱۳ دی سالگرد حاج قاسم سلیمانی. نمی دونم در صفحات بعدیش باشه یا نه، ولی در صفحه اولش من موردی مشاهده نمی کنم. برجام جایگزین ندارد [یکی از تیترها]، گمانه زنی درباره پلن های بسی ایران و غرب درصورت شکست توافق هسته ای [تیتري ديگر]. تمام صفحات هم میهن را نگاه کردم و درباره سوژه امروز یعنی سالگرد حاج قاسم، هیچ خبری کار نکرده. احتمالاً دوستان در روزنامه هم میهن، همکاران رسانه ای ما ارزش های خبری دیگری را، از یک زاویه دیگری ملاک قسار می دهند. چون از لحاظ ارزش خبری هم بخوایم نگاه بکنیم بالاخره در یکی از اولویت هایشان می توانست قرار بگیرد.» این صحبت های شریفی مقدم در فضای مجازی و ایبرال شد به طوری که شخصیت های مختلفی به آن واکنش نشان دادند. روزنامه هم میهن هم در واکنش به گفته های این مجری، یادداشتی با عنوان «ما همکار شمانیستیم» منتشر کرد. هم میهن در بخشی از این یادداشت گفته که «به کلیت نقد ایشان هم کار ندارم، فقط می خواهم بگویم خانم شریفی مقدم، ما همکار شما نیستیم. نه اینکه داورى ارزشى نسبت به کار شما داشته باشیم یا بخوایم بگویم کار ما راجح بر شماست. ابتدا چنین نیست. اشاره من به جمله پائانی شماست، آنجا که گفتید «همکاران رسانه ای ما ارزش های خبری دیگری دارند. حقیقت اینکه همکاران شما همان دوستانی هستند که صبح ها در استودیو با آنها برنامه اجرا می کنید. کار ما فقط اشتراک لفظی با کار شما دارد، می گویم چرا و امیدوارم در آن برنامه صبح تان مجالی پیدا کنید که این را هم بخوانید.» در ادامه این یادداشت نیز به دلایل دیگری اشاره می شود که شریفی مقدم همکار روزنامه نگاران نیست. فارغ از همکار بودن یا نبودن خانم مجری با روزنامه نگاران هم میهن،

آنچه واضح است کلیت این یادداشت همچنان این سوال را بی پاسخ گذاشته که بر مبنای کدام ارزش خبری در روز شهادت سردار سلیمانی حتی یک خبر هم از ایشان در روزنامه سراسری هم میهن کار نمی شود. آن هم در شرایطی که سالروز شهادت سردار سلیمانی تنها به راهپیمایی پرشور کرمان محدود مانده و بسیاری دیگر از کشورها هم به پاس خدمات انسانی که این مرد به مردم جهان کرده است، هر کدام به نحوی از او یاد می کنند.

واقع گرایی خودش ارزش است

مساله ای که در پاسخ هم میهن به مجری برنامه ای در شبکه دو وجود دارد این است که نگفته ارزش خبری از دیدگاه او شامل چه مواردی می شود؟ مردم؟ درد مردم؟ دستگیری برای نوشتن درد مردم؟ چه؟ یا حتی ممکن است مساله آنها انتقاد به قاسم سلیمانی ومشی او باشد. اگر چنین باشد هم صادقانه بگویند به مشی او انتقاد داریم. پیش تر هم برخی گفته اند و نقد کرده اند. سال گذشته برخی گفتند او مکتب نیست، برخی دیگر گفتند خطاهایی داشته، برخی دیگر گفتند او مکتب است، او نماد ملیت است و... کسانی که انتقاد کردند الان هم منتقدند و نظرشان را می گویند. هم میهن هم اگر نقدی داشته یا دارد به مشی سردار سلیمانی، آن را صادقانه و بدون رودربایستی با مخاطبش بیان کند. تا مخاطب هم راحت تر تکلیف خود را در برابر آن بداند. بدون

پاسخ گذاشتن مساله ارزش خبری این برداشت را به وجود می آورد برخی از نگاه روزنامه نگاران هم میهن، شهادت قاسم سلیمانی ارزش خبری ندارد. اما مردم ارزیابی ارزشی خود از مسائل را به نحوه دیگری نشان می دهند. مطابق نظرسنجی ایسپا در سال ۹۸، ۹۰ درصد مردم ایران از شهادت سردار سلیمانی بسیار متأثر و ناراحت شده بودند. در دیگر نظرسنجی هایی که در سال ۹۶ یا ۹۸ (قبل از شهادت قاسم سلیمانی) توسط «مرکز مطالعات بین المللی و امنیتی» دانشگاه مریلند انجام شده نیز جایگاه ارزشی شهید سلیمانی و محبوبیت مردمی ایشان به تصویر کشیده شده است. در سال ۹۶، این مرکز گزارش داده که ۷۸ درصد از مردم ایران نسبت به سردار سلیمانی دیدگاهی مثبت (مطلوب) دارند. در سال ۹۸ نیز براساس نتایج نظرسنجی این مرکز، سردار سلیمانی با ۸۲ درصد، در صدر شخصیت های سیاسی محبوب ایران قرار دارد. گذشته از اعداد نظرسنجی ها عیار جایگاه شهید سلیمانی در نگاه مردم ایران در تشییع میلیونی و بی سابقه پیکر سردار سلیمانی واضح و عیان است.

نگاه شهید سلیمانی در ترمیم شکاف های اجتماعی

ارزش خبری نداشت؟ بارها در همین صفحه از رویکرد روادارانه شهید حاج قاسم سلیمانی در مواجهه با افکار و طرز فکرهای مختلف جامعه

نوشته ایم، در روزنامه ۱۳ دی هم، همزمان با سومین سالگرد ترور این سردار شهید در مطلبی با عنوان «مکتب سلیمانی؛ مکتب بازسازی» به این ویژگی های شخصیتی پرداختیم که توجه به هریک از وجوه آن، کلید ترمیم شکاف های اجتماعی به وجود آمده در این روزهای ایران است.

در آن مطلب ضمن بازخوانی شاخص ترین ویژگی های شخصیتی شهید سلیمانی در مواجهه با سلاقی مختلف سیاسی، جامعه پر التهاب این روزهای کشور را بیش از هر چیز، نیازمند حلقه های واسطی عنوان کردیم که مأموریت خود را در ترمیم شکاف های اجتماعی موجود در کشور می دانند و در توصیف این حلقه های واسط نوشتیم؛ «چهره هایی ملی که فارغ از جناح بندی ها و صف بندی های سیاسی مرسوم، دغدغه آرامش افکار عمومی و حفظ کیان جمهوری اسلامی ایران را دارند.» شهید حاج قاسم سلیمانی را هم از شاخص ترین مصادیق آن برشمردیم. علاوه بر آن، برخی اظهار نظرها و اتفاقات شکل گرفته در چند مدت اخیر از جانب برخی صاحبان تریبون و مسئولان را، نشانه هایی مبنی بر فاصله داشتن عمل برخی تصمیم گیران از منش شهید سلیمانی عنوان کردیم.»

رویکردی که درباره آن نوشتیم: «نه تنها به ترمیم شکاف های موجود در جامعه کمک نمی کند بلکه در مقاطعی به آن

محمد مرندی، مشاور رسانه ای تیم مذاکره کننده ایران توضیح می دهد

ماجرای حضور حسین فریدون در مذاکرات

رسانه های منتسب به آنها به این اتهام ضریب داده و بعدها افرادی خارج از جناح اصلاح طلبان نیز همین اتهام بدون سند را تکرار کردند. محمد مرندی داشتن گذرنامه آمریکایی و سوگند وفاداری به این کشور را تکذیب می کند و ابهام به وجود آمده از این گونه توضیح می دهد که در زمان تحصیل پدرش در آمریکا که به زمان پیش از انقلاب بازمی گردد، در این کشور متولد شده و بعد از انقلاب به ایران بازگشته است. اتهام زنی در مورد گذرنامه آمریکایی مرندی در حالی است که در زمان حضور وی در تیم مذاکره کننده دولت روحانی چنین اتهاماتی از جانب اصلاح طلبان مطرح نمی شد اما در اوج مذاکرات باقی با طرف های غربی باب اتهام زنی برای اعمال فشار به تیم دیپلماسی دولت سیزدهم گشوده شد. اتهام زنی ای که اظهارات متناقض چهره هایی چون سعید لیلان نشان داد چیزی جز منافع حزبی هدف آن نبوده است.

بالاخره از نظر شما برجام خوب است یا بد؟

بعد از آنکه بولر در اوایل شهریورماه از منطقی بودن پاسخ های ایران سخن گفت



دامن هم زده است.»

تا پیش از حواشی به وجود آمده درباره کم توجهی هم میهن به موضوع سالروز شهید سلیمانی در شماره ۱۳ دی این روزنامه، به نظر می رسید یک چیز واضح و مورد توافق همه دلسوزان ایران باشد که آن مساله مورد توافق را می توان اهمیت بالایی برداختن به ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی برای معرفی این مساله به عنوان یک الگو دانست که لازم است پیش چشم مسئولان کشور قرار گیرد.

الگویی که در این روزهای پر کشمکش، بیش از هر زمان دیگری باید مورد توجه تصمیم گیران کشور قرار گیرد همانی است که در تمام رفتارها و اظهار نظرهای شهید سلیمانی شاهد نشانه هایی از آن بودیم. رویکردی که هم تکثر موجود در جامعه ایرانی را پذیرفته بود و هم درعین پذیرفتن این تکثر، حکم فرما شدن وحدت میان افکار مختلف را ضرورتی حیاتی می دانست.

باتوجه به ابعاد این الگویی که شهید حاج قاسم سلیمانی با رفتار و اظهار نظرهای خود پیش چشم تصمیم گیران کشور و صاحبان تریبون در تمامی سطوح قرار داد و با در نظر گرفتن نقش حیاتی اتخاذ چنین رویکردی از سوی مسئولان برای ترمیم شکاف های اجتماعی شکل گرفته میان مردم و حاکمیت، این سوال برای افکار عمومی پیش می آید که چه چیزی باعث می شود یک رسانه این چنین نسبت به این مساله از خود بی توجهی نشان دهد؟

شاید مشی حرفه ای و البته صادقانه تر در مواجهه با مخاطب، ایجاب می کرد رسانه ای با این رویکرد نسبت به الگویی مثل شهید سلیمانی پیش از هر چیز تکلیف دنبال کنندگان خود را روشن کند. کم توجهی به ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی آن هم در رسانه ای که کمتر واقعه و تحولی از دید تحریریه اش دور می ماند، علاوه بر اینکه تلویحاً یک اعلام موضع محسوب می شود، احتمالاً برای جامعه هم دو پیام مشخص دارد. پیام نخست آنکه روزنامه هم میهن احتمالاً نسبت به رویکرد ملی و روادارانه شهید حاج قاسم سلیمانی، به عنوان الگویی قابل قبول برای عبور از شرایط پر التهاب فعلی کشور آن قلت دارد که البته در یادداشتی که به عنوان پاسخ این روزنامه به انتقاد مجری صداوسیما منتشر شد، اثری از چنین باوری دیده نمی شود. پیام دوم اما مرتبط با این مساله است که آیا این روزنامه پرداختن به ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی و تشریح نیازمندی های جامعه امروز ایران برای تسکین به آن را فاقد ارزش خبری لازم می داند یا خیر. این منتقدان سیاسی هم میهن بوده اند که سعی داشته اند مساله کم توجهی این روزنامه به سالروز شهید سلیمانی را این طور بازنمایی و تفسیر کنند. دو پیامی که البته فقط با توضیح هم میهن قابل تفسیر یا اصلاح است.

محسوب می شود که دستاورد حزبی و تبلیغاتی نیز داشته باشد.

هرچی واعظ بگه!

اگر همان طور که دولت روحانی با خطاب قرار دادن ظریف به عنوان سردار دیپلماسی مذاکره را به میدان نبرد تشبیه می کرد این تشبیه مورد اجماع را به درستی بی پذیریم به تبع آن باید قبول کنیم که به قواعد جنگی نیز پایبند باشیم. اعتماد نکردن به سربازان دشمن و اطلاعات آنها شاید یکی از اصول اساسی این نبرد تلقی شود. اصلی که به راحتی توسط برخی رسانه ها و خبرنگاران آن زیر پا گذاشته شد. علی واعظ تحلیلگر ارشد گروه بین المللی بحران در امور ایران و از چهره های نزدیک به رابرت مالی، عضو گروه مذاکره کننده آمریکا است که در چند ماه اخیر به مرجع خبری اصلاح طلبان تبدیل شده است و پای ثابت اتاق های گفت و گوی آنها است. بعد از آنکه واعظ در مصاحبه با یکی از روزنامه های داخلی توافق موقت را نسبت به توافق برجام مطلوب توصیف کرد، این خط توسط بسیاری از اصلاح طلبان نیز به کار گرفته شد و سعید لیلان نیز در مصاحبه ضد برجامی خود رسیدن به یک توافق موقت را مطلوب توصیف کرد. در حالی علی واعظ یعنی سرباز دیپلماسی آمریکا به تئورسین سیاست خارجی برخی رسانه های داخلی تبدیل شده است که اعضای تیم دیپلماسی ایران به بهانه های مختلف مورد حمله این رسانه ها قرار می گیرند. بهانه هایی که محدود ماندن به سطح توییل بودن میز گفت و گوی رئیس جمهور با پوتین، آنها را مضحک و گاه مغرضانه جلوه می دهد.

دیپلماسی فریدونی

در گفت و گوی پنجشنبه شب، مرندی که در تیم های مذاکره کننده هر دو دولت روحانی و رئیس جمهور بوده است در مورد سابقه تضعیف تیم دیپلماسی به عبارت «خرانه خالی است» روحانی اشاره کرده و به نقل از یکی از اعضای تیم دیپلماسی سابق می گوید غربی ها در جلسه مذاکره با کنایه گفته اند شما که خزانه تان خالی است هسته ای را برای چه می خواهید؟ مشاور رسانه های بین المللی تیم مذاکره کننده در مورد اقدامات ضد اقتدار دولت روحانی به حضور حسین فریدون در تیم مذاکره نیز اشاره کرده و حضور وی را اقدامی برای تحت فشار قرار دادن تیم دیپلماسی توصیف کرده تا توافق هرچه سریع تر صورت گیرد. اقدامی که مرندی روایت می کند یک مرتبه به تنش لفظی شدیدی بین ظریف و برادر روحانی نیز انجامیده است. مرندی در ادامه فشارهای رئیس جمهور را عاملی موثر بر مذاکرات دور شوم وین نیز توصیف می کند. عاملی که باعث شد تیم مذاکره کننده تحت فشار، تن به تعهدات فرابرجامی بدهد که پیش از این در گزارش «گاف بزرگ عراقی» در «فرهنگستان» به آن پرداختیم. نکته جالب توجه این است که این خط تضعیف کننده تیم مذاکره را گاه خود ظریف نیز با ناتوان توصیف کردن سیستم دفاعی کشور در برابر بمب های آمریکا تداوم می داد تا نشان دهد اساساً درک صحیحی از اهم قدرت مذاکراتی بر فضای فکری دولت روحانی حاکم نبوده است.

مرندی آمریکایی است

بعد از آنکه ماجرای تابعیت برخی دولتمردان پیشین در فضای رسانه ای سروصدا پیدا کرد برخی از چهره ها و رسانه های نزدیک به جناح اصلاح طلبان مترصد فرصتی نشسته تا تلافی یک دعوی سیاسی را بر سر منافع ملی در حوزه سیاست خارجی تخریب کنند. اما باید به این امر نیز توجه شود که تلافی بدون منطق نه تنها سیاست خارجی بلکه هویت رسانه ای مدعیان را نیز از بین می برد. بعد از آنکه حسین دهباشی در توییتی محمد مرندی را بدون ارائه هیچ مدرکی شهروند آمریکسا و متعهد به وفاداری به این کشور توصیف کرد، چهره های اصلاح طلب